

سخت‌گیری یا سخت‌رهی وام ازدواج؟

بر اساس دستور آقای همتی، وزیر اقتصاد که گفته است بانک‌ها برای پرداخت وام ازدواج سخت‌نگیرند، تصمیم گرفتیم بالباس مبدل به بانک برویم تا نتیجه دستور جناب وزیر را ببینیم.



کاژون، محمد علی رحیمی

- ما: سلام. ما تازه ازدواج کردیم و او مدیم برای گرفتن وام ازدواج جمون.
- متصدی بانک: سلام. به به، مبارک باشه! ایشالا به پای هم پیر بشین. مدارکتون رو بدین.
- ما (با تعجب): ممنونم، ببخشین شیرینی نیاوردیم... مدارک رو بدیم؟ به همین راحتی؟!
- متصدی: بله دیگه، سختی نداره. مدارک رو بدین که ما بذاریم توی نوبت تا هروقت بهمون اعتبار دادن، وامتون رو پرداخت کنیم.
- ما: آهان! خب کی اعتبار می آدوکی نوبت ما می شه؟
- متصدی: حدود ۳۵۰ هزار نفر توی صف هستن که برای پرداخت وام ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیونی باید یه اعتبار ۱۱۰ هزار میلیارد تومنی تصویب کنن. حالا خودتون حساب کنین کی این اعتبار ممکنه تصویب بشه، کی برای ما واریز بشه، چقدر طول می‌کشه تا نوبت شما بشه و بعدش کی براتون واریز بشه!
- ما: اول اینکه خیلی ممنون از اینکه شما این قدر خوب دارین جواب ما رو می‌دین و عصبی و بی‌حوصله نیستین و حواستون رو به ماینیتور پرت نمی‌کنین و بهمون نگاه می‌کنین و شماره نفر بعدی رو نمی‌زنین تا بیاد و یک پوشه برنمی‌دارین برین سر میز آقای رئیس و ما رو به همکارتون حواله نمی‌کنین! دوم اینکه شما که سرتون توی حساب و کتابه، فکر می‌کنین وام ازدواج جمون به تولد بچه مون برسه؟
- متصدی: آگه خیلی خوش شانس باشین، ممکنه، وگرنه ما معمولاً وام ازدواج والدین رو برای ازدواج بچه هاشون در نظر می‌گیریم. طبق محاسبات، آگه صف وام ازدواج تشکیل بشه، ۲۰ کیلومتر می‌شه. دیگه حساب کنین شما کجای این صف قرار می‌گیرین.

صفحه ۴
۲۴ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۱۱۳

- ما: دیگه بیشتر از این خجالتمون ندین. فقط به سؤال: آگه وضعیت اعتبار این قدر خرابه، پس چطور بانکا پارسال به کارمندا شون ۹۱٫۵ هزار میلیارد تومن وام دادن؟ اون هم با سود کم و بلند مدت و بدون هفت خان مردم عادی و ما جوونا که وام ازدواج می‌خوایم.
- متصدی: اتفاقاً چه سؤال خوبی کردین... اصغر آقا! بیایینجا... اون دسته جاروت رو هم بیاار... این آقا و خانوم رو به سمت در خروجی راهنمایی کن. بدو آقا! باشین برین بیرون. وامتون دیگه به ازدواج بچه تون هم نمی‌رسه. منتظر باشین برای مراسم هفت که هیچی، برای چهلمتون... برین بیرون نبینمتون!
- ما: ولی آقای وزیر گفتن که برای پرداخت وام ازدواج نباید سخت بگیرین.
- متصدی: کاملاً درست گفتن. اتفاقاً ما که سخت نمی‌گیریم. دیدین که چقدر آسون مدارک رو ازتون گرفتیم!
- ما: بله، ممنونیم واقعا. پس آقای وزیر باید می‌گفتن وام ازدواج رو سخت ندین! سؤال آخر رو هم بپرسیم و رفع زحمت کنیم.
- متصدی: چه زحمتی؟! ما برای خدمت به شما اینجا هستیم. چایی میل دارین یا نسکافه سفارش بدم براتون؟

چوب‌پنبه در گوش!

فرهنگ شهروندی
فرهاد ناجمی



شاید بشه گفت که آرامش و سکوت یکی از نعمتای عالی زندگی بشه که در بیشتر شهرها به خصوص کلان‌شهرها این نعمت بزرگ به فراموشی سپرده شده. برای به دست آوردن این آرامش نسبی، شاید کوچ کردن به شهرهای کوچیک و حتی روستاهایی از راه حل‌ها باشه، ولی مشکل اینجاست که برای بازنشسته‌ها این امر شدنیه، ولی برای کسانی که کار و بارشون توی شهر هست و نمی‌تونن کارشون رو

رها کنن، هیچ چاره دیگه‌ای جز موندن و سماق مکیدن توی همون کلان‌شهرها باقی نمی‌مونه. با این اوصاف، حالا باید بگردیم ببینیم چه راهکارهای عملی دیگه‌ای برای حفظ آرامش و سکوت وجود داره. بهترین و کم‌هزینه‌ترین راه حل برای حفظ آرامش، قراردادن پنبه یا بهتر از اون چوب‌پنبه توی دوتا گوشه. فقط توجه داشته باشین که کارایی پنبه کمه و

چوب‌پنبه هم دردآور و هم استفاده‌اش از خوبیت نداره. چون شما رو انگشت نما می‌کنه. راه حل بعدی استفاده از هدفون‌های بزرگه که کل گوش رو بگیره. دیگه سروصدای بیرون از سروصدای سوراخ کردن آسفالت که بدتر نیست. شما هم از همون هدفون‌های صنعتی بگیرین و یه عمر خودتون رو از شر سروصدا خلاص کنین. البته استفاده از این هدفون‌های صنعتی ممکنه باعث صدمه به جان و